

گفتمان سیاست اروپایی بریتانیا تحلیلی استعاره‌ای

حمیرا مشیرزاده^۱ - فاطمه همویی^۲

تاریخ دریافت: ۹۱/۵/۲۰

تاریخ تصویب: ۹۱/۷/۱۳

چکیده

رابطه بریتانیا و اتحادیه اروپا به دلیل رویکرد منفی این کشور نسبت به همگرایی و وحدت اروپا همواره یکی از موضوعات مهم و چالش‌برانگیز در عرصه سیاست داخلی این کشور در طول ۵۰ سال گذشته بوده است. مسئله‌ای که این مقاله به آن می‌پردازد، این است که چگونه این رویکرد بدبینانه و پرتنش بریتانیا نسبت به وحدت اروپا امکان پذیر شده و چه شرایطی در شکل‌گیری چنین نگرشی دخیل بوده است؟ این مقاله بر آن است تا با تمرکز بر «نظریه ادراکی-شناختی» لاکوف و جانسون و روش تحلیل استعاره‌های اسنادی میلیکن و با بررسی زبان مورد استفاده در سخنرانی‌ها و بیانیه‌های سیاستمداران و وزرای خارجه بریتانیا در رابطه با همگرایی اتحادیه اروپا، به استخراج و تحلیل استعاره‌ها، نشانه‌ها، گزاره‌ها، نمادها و نظام‌های دلالت موجود در گفتمان پرداخته و چگونگی امکان‌پذیری این

۱. دانشیار و عضو هیأت علمی گروه روابط بین‌الملل دانشگاه تهران (moshizadeh@gmail.com)

۲. کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه تهران (fatemeh.hamoei@gmail.com)

رویکرد سیاست خارجی، فرایند برساخته شدن هویت بریتانیایی و اروپایی و نیز عرف همگانی این کشور نسبت به سیاست‌های اروپایی و پویایی‌های موجود در این گونه دریافت را تبیین کند.

کلیدواژگان: بریتانیا، وحدت اروپا، سیاست خارجی، هویت، گفتمان، تحلیل استعاره‌ای، شک‌گرایی اروپایی (Euroskepticism)

مقدمه

رابطه بریتانیا و اتحادیه اروپا یکی از چالش برانگیزترین حوزه‌های سیاست داخلی بریتانیا در طول ۵۰ سال اخیر بوده است. بریتانیا بیش از دو قرن، استیلای کامل بر جهان داشته و همواره سعی کرده است در سیاست‌های خود میان قدرت‌های اروپایی و امریکا، مهره‌ای موازنه گر باشد. بریتانیا از ابتدای ورود خود به اتحادیه اروپا، عنان بسیاری از سیاست‌های ملی خود را از کف نداده و دست کم آخرین کشوری بود که به بسیاری از قراردادهای پیمان‌های دسته جمعی اتحادیه پیوست. نظام ملی اجرایی - سیاسی در بریتانیا، هرگز خود را به طور کامل متعهد به همگرایی اروپایی نکرده است و همواره با القابی از این قبیل توصیف می‌شد: شکاک و کناره گیر (Rasmussen, 2001: 145) (aloof & skeptical). یک شریک ناهمگون (awkward partner) و بیشتر یک ناظر تا بازیگر (a Spectator rather than an Actor) در یک نمایشنامه قاره‌ای که بریتانیا تصمیم به بیرون ماندن از آن گرفته است (Young, 1998: 1).

این کشور همچنین در اکثر زمینه‌ها، رویه ملی خود را حفظ کرده است به طوری که همچنان از پیوستن به نظام «یورو» (پول واحد اروپایی) خودداری می‌کند؛ آخرین کشوری بود که به منشور اجتماعی اروپا پیوست؛ عضو پیمان شنگن نیست و معتقد به کنترل رفت و آمد شهروندان است. بریتانیا روی خوشی به سیاست خارجی و امنیتی مشترک اروپا و سیاست‌های هماهنگ مالیاتی نشان نداده، مخالف سرسخت قوانین کار مشترک در اتحادیه

بوده و بدین سبب با شناسایی رسمی حق اعتصاب در قانون اساسی اتحادیه مخالفت می‌کند. علاوه بر این موارد، معتقد به سرسختی در زمینه قوانین مهاجرت به اتحادیه اروپا می‌باشد، هرچند در مورد مهاجرت شهروندان کشورهای اتحادیه به انگلیس چندان سخت‌گیری ندارد (کاردان، ۱۳۸۶: ۲۰۲-۲۰۳).

بریتانیا تا کنون رژیم شنکن را نپذیرفته است، عضو نظام پول واحد اروپایی (یورو) نشده و همچنان از پوند به عنوان پول ملی استفاده می‌کند. همچنین این کشور در حوزه‌های مختلفی نظیر تنظیم بودجه، سیاست کشاورزی مشترک، ابعاد اجتماعی اتحادیه و... با اتحادیه همراه نشده و همواره در صدد بوده تحفظها و حق و توهایی برای خود نگه دارد و به ادغام کامل در اتحادیه رضایت ندهد. بریتانیا نگران تعمیق اتحادیه و تبدیل آن به یک فدراسیون اروپایی است و تلاش می‌کند ساختار اتحادیه را همچنان بین‌الدولی نگاه دارد. (نقدی نژاد، ۱۳۸۷: ۱۹۲-۱۹۶). در بحث بودجه اتحادیه نیز عمده‌ترین تعارض میان بریتانیا و فرانسه وجود دارد و فارغ از ابعاد دیگر موضوع، تخفیف‌های مرسوم که بریتانیا از اتحادیه دریافت می‌کند و سیاست خارجی مشترک موسوم به "CPA"، دو مؤلفه اساسی بحران بودجه را تشکیل می‌دهند (Financial Times, 19 Sep, 2006).

در بعد سیاست خارجی مشترک، بریتانیا فقط در مواردی با اتحادیه اروپا همراهی می‌کند که اشتراک منافع وجود داشته باشد. در بعد امنیتی و نظامی، بریتانیا هنوز وابستگی به ایالات متحده را ترجیح می‌دهد و بر تداوم ناتو به عنوان نهاد تامین کننده امنیت اروپا تاکید دارد. در مجموع، همراهی یا عدم همراهی بریتانیا با اتحادیه اروپا بستگی کامل به تحلیل هزینه و فایده همکاری برای این کشور دارد. تفسیرهای متعددی برای تبیین این رویکرد ارائه شده است از جمله جغرافیای خاص (جزیره‌ای بودن)، تاریخ (عدم اشغال این کشور از ۱۰۶۶)، ساختار نهادی (پراکندگی احزاب سیاسی)، اقتصاد (فراآلاتیک) و پیوند عمیق

اجتماعی - فرهنگی با حاکمیت ملی. دولت بریتانیا همگرایی اروپایی را بیشتر به عنوان یک لزوم توافق ناپذیر تلقی می‌کرد تا یک منفعت رسان مثبت (Gowland & Turner, 2000: 5). نوع پرسشی که این مقاله طرح می‌کند، در رابطه با چگونگی امکان پذیری یک نوع خاص رفتار سیاست خارجی می‌باشد. با طرح چنین سوالی، در پی کشف آن است که چگونه معانی، بازتولید شده و در پیوند با سوژه‌ها و ابژه‌های اجتماعی به برساختگی هویت‌ها و وضعیت‌های مختلف که امکان پذیری و محدودیت ایجاد می‌کنند، منجر می‌شوند. به عبارت دیگر، آنچه در اینجا توضیح داده می‌شود، چرایی حصول یک نتیجه نیست بلکه بررسی چگونگی برساخته شدن سوژه‌ها، ابژه‌ها، هویت‌ها و وضعیت‌های خاص در فرایندهای اجتماعی به گونه‌ای است که رفتارها و رویه‌های مشخصی را امکان‌پذیر می‌کند.

ابتدا به مروری کوتاه بر برخی آثار موجود در رابطه با موضوع رابطه بریتانیا و اروپا می‌پردازیم: «هنریک لارسن» در مقاله خود تحت عنوان «رویکردی گفتمانی به سیاست‌های اروپایی بریتانیا و دانمارک طی سال‌های ۱۹۹۰» به این نتیجه رسیده است که این تفاوت‌ها ناشی از ادراک گفتمانی (discursive) از دولت - ملت می‌باشد. نویسنده استدلال می‌کند که درک‌های متفاوت از نقش «حاکمیت پارلمانی» و «مردم» در فرایند سیاست‌گذاری و تعریف چگونگی شکل‌گیری گفتمان‌های سیاست خارجی بسیار برجسته بوده است (Larsen, 1999: 475-180).

نوع روابط قدرتی که در این مقاله مورد نظر نویسنده است قدرتی نیست که در آن قابلیت بازتولید معانی، هویت‌های سوژگی و روابط درونی میان آنها مطرح باشد. ضمن اینکه سیاست خارجی بریتانیا در قبال اتحادیه اروپا مد نظر قرار نگرفته و صرفاً از جنبه گفتمانی با سیاست خارجی دانمارک مقایسه شده است.

«تیموتی گارتون.اش» در مقاله خود تحت عنوان «آیا بریتانیا اروپایی است؟» به تحلیل سخنرانی مارتین وایت در ۲ نوامبر ۲۰۰۰ پرداخته و تمرکز خود را بر مطالعه هویت بریتانیایی قرار می‌دهد و استدلال می‌کند که هویت‌ها «ارادی» (voluntary) هستند و نه «دل‌بخواهانه» (arbitrary) و بی‌شک یک هویت اروپایی برای بریتانیا قابل حصول است اما همواره می‌تواند «جزئی» (partial) باشد چرا که بریتانیا همواره کشوری متشکل از هویت‌های چند گانه و متنوع باقی خواهد ماند (Garton Ash, 2002: 72-75).

درست است که نویسنده در این مقاله با طرح بحث «هویت بریتانیایی» با عناصر غیرمادی (معنایی) سیاست‌گذاری می‌پردازد، اما پرسش‌های وی درباره چگونگی برساخته شدن این هویت و عناصر هویتی زیرمجموعه آن نیست و بدون تشریح یا تبیین این مساله به این بحث می‌پردازد که این هویت باید تعمیق شود.

«ای.جی.ار گروم» در مقاله خود تحت عنوان «بریتانیا و اروپا، نگاهی از خلال منشور سیاست دفاعی» بیان می‌دارد که با نگاهی به نیم قرن اخیر، روشن است که بریتانیا به اتحادیه اروپا بیشتر به عنوان یک قدرت بزرگ و اروپایی متشکل از دولت‌های حاکم می‌نگرد تا یک دولت بزرگ فدرال. به اعتقاد نویسنده، راه حل ساده برای فائق آمدن بر تنش‌های حاصل از این کشش به دو جهت متفاوت این است که بریتانیا مانند یک پل واسط عمل کند که البته در دراز مدت امکان‌ناپذیر و دشوار می‌باشد (Groom, 2005: 29-33).

این مقاله با قرار دادن بریتانیا بر سر دوراهی در نهایت پیش‌بینی می‌کند که بریتانیا به سمت اروپا متمایل خواهد شد. نویسنده این مقاله مشخص نمی‌کند که بر چه اساسی و چگونه بریتانیا پا در مسیر اتحادیه اروپا خواهد گذاشت. در مقاله‌ای دیگر، تحت عنوان «بریتانیا و اروپا؛ تحول و سیاست خارجی» «کیت رابینز» این سوال را مطرح می‌کند که آیا یک سیاست بریتانیایی در بریتانیا شکل خواهد گرفت؟ و نتیجه می‌گیرد که منافع بریتانیایی

ایجاب می‌کند که بریتانیا به یک جریان واحد اروپایی بپیوندد هر چند که امکان دارد این ارتباط زود هنگام باشد (Robbins, 1998: 115-118).

پرسش مطرح شده در این مقاله از جنس «چرایی» و «چگونگی» نیست، بلکه بحث و موضوع آن درباره زمان ادامه وضعیت مخالفت با این سیاست و پرسش از احتمال شکل‌گیری یک سیاست بریتانیایی در آینده است.

ویوین.آ. اشمیت در مقاله خود تحت عنوان «آیا سازگاری با اروپا برای بریتانیا مشکل است؟» معتقد است که مشکل بریتانیا به طور خلاصه از ایده‌ها و گفتمان‌هایی سنتی نشأت می‌گیرد که مستمراً ابعاد منفی سیاست‌ها و رویه‌های اتحادیه اروپا را بزرگ‌نمایی کرده و از ایجاد تغییر سر باز می‌زند. سؤال اصلی و اساسی برای بریتانیا این است که چگونه این کشور خود را با یک همگرایی عظیم‌تر تطبیق دهد در حالی که در طول قرن‌ها، به تنهایی در عرصه بین‌الملل ظاهر شده است؟ (Schmidt, 2006: 16-20).

بزرگ‌نمایی ابعاد منفی سیاست‌ها و رویه‌های اتحادیه اروپا از طریق «یک سری ایده‌ها و گفتمان‌ها» تنها می‌تواند یکی از علل وضعیت فعلی روابط بریتانیا با اتحادیه اروپا باشد. این دیدگاه ضمن اینکه چگونگی شکل‌گیری این گفتمان‌ها را بررسی نکرده و به نقش عامل «قدرت» توجه چندانی نمی‌کند، با محدود کردن آن به یک علت واحد راه را بر سایر اشکال گفتمانی می‌بندد.

با توجه به وجود ضعف در حوزه مطالعات اروپا در ایران و نقصان‌های موجود در آثار نگاشته شده در این زمینه و عدم توجه رویکردهای نظری دیگر از جمله واقع‌گرایی به مقوله‌های زبان و گفتمان، همچنین این مهم که روش تحلیل گفتمان در ادبیات حاضر چندان مورد استفاده قرار نگرفته، نویسنده در این مقاله بر آن است تا با استفاده از روش تحلیل گفتمان و واکاوی استعاره‌ها، تمثیل‌ها، تشبیه‌ها و قیاس‌های تاریخی موجود در بیانات و سخنرانی‌های ساینستمداران و وزرای خارجه این کشور در دوره‌های زمانی

مختلف، سیاست خارجی بریتانیا در قبال اتحادیه اروپا را تحلیل و بررسی کرده، چگونگی امکان‌پذیری رفتارها و شکل‌گیری مواضع سیاسی این کشور را توضیح دهد. مقاله حاضر مدعی است که بریتانیا حفظ هویت بریتانیایی را به هویت اروپایی ترجیح می‌دهد. همواره نگاهی ابزاری به اروپا و همگرایی منطقه‌ای داشته و فقط در مواردی با روند وحدت اروپا همراه شده که در راستای منافع ملی این کشور بوده است. پذیرش کامل قوانین و سیاست‌های اتحادیه اروپا و نیز ادغام در چارچوب آن، بریتانیا را از حفظ استقلال و آزادی عمل خود دور می‌کند.

چارچوب نظری: تحلیل گفتمان

با افزایش نفوذ پسا ساختارگرایی و پساتجددگرایی در حوزه روابط بین‌الملل طی دو دهه اخیر، مطالعه گفتمان مورد توجه فزاینده‌ای قرار گرفته است. از جمله نظریه پردازانی که در عرصه روابط بین‌الملل به مطالعه گفتمان پرداخته‌اند می‌توان به جنیفر میلیکن، آر. بی. جی واکر، رکسان داتی و الکساندر ونت اشاره کرد که در این میان، تعریف و تقسیم‌بندی میلیکن از گفتمان کامل‌ترین به نظر می‌رسد. میلیکن مطالعه‌ی گفتمان را در روابط بین‌الملل در چارچوب سه تعهد نظری امکان‌پذیر می‌داند که معمولاً این روش‌ها برای مطالعه بازی رویه‌ها با هم ترکیب می‌شوند: مولدیت گفتمان (Productivity of Discourse)، گفتمانها به عنوان نظام‌های دلالت (Systems of Signification) و بازی رویه‌ها (Play of Practices).

مولدیت گفتمان از نظر میلیکن به این معنا است که گفتمان‌ها چیزهایی را تولید (و بازتولید) می‌کنند. گفتمان‌ها فراتر از اینکه زبانی را برای صحبت کردن درباره پدیده‌ها (تحلیل و طبقه‌بندی آنها) فراهم می‌سازند، برخی از راههای بودن در جهان و عمل نسبت به آن را قابل فهم می‌کنند و یک «رژیم خاص حقیقت» را عملیاتی می‌نمایند و سایر شیوه‌های ممکن هویت و کنش را حذف می‌کنند. به طور خاص، گفتمانها سوژه‌هایی را که

مجاز به سخن گفتن و عمل کردن هستند تعریف می‌کنند (مثلاً مقامات سیاست خارجی، روشنفکران حوزه دفاع، کارشناسان توسعه). گفتمان‌ها همچنین رویه‌های شناختی این سوژه‌ها را نسبت به ابژه‌هایی تعریف می‌کنند که گفتمان [به نوبه خود آنها را نیز] تعریف می‌کند (میلیکن، ۱۳۸۶: ۷).

رویکرد رویه‌های گفتمانی بر برساخته شدن واقعیت توسط زبان تاکید دارد. طبیعت مولد زبان الزاما به ادراک‌ها و انگیزه‌های بازیگران اجتماعی بستگی ندارد، بلکه در این رویکرد، زبان به عنوان مجموعه‌ای از نشانه‌ها تلقی می‌گردد که بخشی از نظام سوژه‌ها، ابژه‌ها و دنیای پیرامون را برمی‌سازند (Shapiro, 1984: 222).

میلیکن با طرح گفتمان‌ها به عنوان ساختارهای دلالت، بر این باور است که گفتمان هست واقعیت‌های اجتماعی را برمی‌سازند. در بنیان این تعهد فهمی سازه‌انگارانه از معنا قرار دارد که بر اساس آن چیزها معنا ندارند (یعنی جهان مادی معنایی را منتقل نمی‌کند)؛ بلکه مردم معنای چیزها را با استفاده از نظام‌های نشانه‌ای (عمدتاً اما نه صرفاً زبانی) برمی‌سازند. در این تعریف، گفتمان بر اساس نظام نشانه‌های مورد نظر سوسور و تضادهای دو وجهی دریدا مفهوم سازی می‌گردد (میلیکن، ۱۳۸۶: ۶).

به باور فرکلاف، نشانه‌ها به سه شکل وسیع در رویه‌های اجتماعی عمل می‌کنند: اول اینکه نشانه به عنوان جزئی از فعالیت اجتماعی درون رویه عمل می‌کند. دوم، نشانه به صورت بازنماینده عمل می‌کند: بازیگران اجتماعی درون هر رویه، علاوه بر عمل به رویه‌های خود، به باز نمودن دیگر رویه‌ها می‌پردازند. این بازنموده کردن، به تناسب اینکه هر یک چگونه در یک رویه قرار گرفته‌اند، متفاوت خواهد بود. باز نمودن، در واقع فرایند برساختگی اجتماعی رویه‌هاست. سوم، نشانه‌ها در اجرای موقعیت‌های خاصی در رویه‌های اجتماعی عمل می‌کنند. هویت افرادی که در این موقعیت‌های درون رویه قرار می‌گیرند، تنها به میزان محدودی با خود رویه مشخص می‌شود (Fairclough, 2001: 123).

در بازی رویه‌ها به عنوان سومین تعهد نظری، میلیکن ما را به سمت مطالعه گفتمان‌های مسلط یا هژمونیک و نقش آنها در ساختار دادن به معنا که در پیوند با اعمال رویه‌ها و راه‌های قابل فهم ساختن و مشروعیت بخشیدن به آنها است سوق می‌دهد. اما حتی اگر گفتمان‌های مسلط برای بخش وسیعی از مردم «شبکه‌های فهم‌پذیری» باشند، بازی رویه‌ها این است که همه گفتمانها شبکه‌هایی بی‌ثبات هستند و در نتیجه لازم است برای مفصل‌بندی (articulation) و باز مفصل‌بندی (re

articulation) شناخت‌ها و هویت‌های تولیدی آنها (یعنی تثبیت «رژیمهای حقیقت») و امکانات بی‌پایانی که برای گریز وجود دارد عمل شود و این باعث می‌شود گفتمان‌ها تغییرپذیر و در واقع از نظر تاریخی مشروط و موقت باشند. در ارتباط بین نشانه‌ها و دیگر عناصر درون شبکه رویه‌ها، نشانه‌ها نقشی محوری در مشروعیت-بخشی و مشروعیت زدایی ایفا می‌کنند (میلیکن، ۱۳۸۶: ۸).

روش: تحلیل استعاره‌ای

روش مورد استفاده در این مقاله، «تحلیل استعاره‌ای» (metaphorical analysis) است، با اتکا بر نظریه منسجم و کاربردی دو زبان‌شناس به نامهای «مارک جانسن» و «جرج لاکاف» (Lakoff & Johnson) و باور آنها مبنی بر اینکه استعاره‌ها واقعیات اجتماعی جهان پیرامون را برمی‌سازند (Lakoff & Johnson, 1980: 156)، تحلیل استعاره‌ای زیرمجموعه روش‌های تحلیل خصوصیات اسنادی (predicate analysis) است که کانون توجه تحلیل استعاره‌ای استعاره‌ها هستند (یعنی راه‌های متعارف مفهوم‌بندی یک قلمرو بر اساس قلمروی دیگر) که به امکاناتی برای استدلال و کنش انسانی ساختار می‌بخشند. پژوهشگر بر اساس مطالعه تجربی، استعاره‌هایی را احراز می‌کند که به شکلی منظم در رویه‌های زبانی یک گروه یا جامعه برای فهم جهان مورد استفاده قرار می‌گیرند (میلیکن، ۱۳۸۶: ۱۵).

به اعتقاد کامرون و لو (Cameron & Low) برداشت و فهم از استعاره، بسیار گوناگون و پیچیده است. در رویکرد سنتی، استعاره به عنوان یک پدیده زبان‌شناسی (Linguistic) و به عنوان ابزاری برای بیان افکار به زبان تمثیل بکار می‌رود. رویکرد جدیدتر در چارچوب «نظریه ادراکی/شناختی» (Cognitive Theory) قرار می‌گیرد و لاکوف و جانسون نظریه پردازان اصلی آن هستند، استعاره در قالب یک پدیده شناختی و یک سازوکار ادراکی قرار می‌گیرد و ابزاری برای فهم و درک موضوعات واقعی است. در این رویکرد، یک حوزه مفهومی (Conceptual Domain) در حوزه مفهومی دیگر مورد استفاده قرار می‌گیرد به گونه‌ای که حوزه مفهومی دوم بر اساس حوزه اول و با استفاده از استعاره زبانی آن حوزه فهم می‌شود (Natalia, Chaban & Bain, 2007: 81-82).

نظریه ادراکی/شناختی استعاره دو جنبه مهم استعاره را مورد بررسی قرار می‌دهد:

- ۱- استعاره در زبان فراگیر است و عبارات استعاره‌ای به تکرار و به صورت نظام مند در تمام گونه‌های گفتمان از مکالمه و سخنرانی تا شعر و رمان اتفاق می‌افتند؛
- ۲- استعاره هم به زبان و هم به اندیشه ارتباط دارد و نحوه‌ای از بیانات روزمره است.

استعاره‌های مفهومی (Conceptual Metaphors) یک بخش اساسی از شیوه

تصویرسازی ما از خود و جهان پیرامون است (Lakoff & Johnson, 1980: 30).

به عبارت دیگر نظریه شناختی استعاره، تمایز مهمی میان جلوه‌های استعاره‌ای زبانی (Linguistic Metaphorical Expressions) و استعاره‌های مفهومی قائل می‌شود. تفاوت دیگر میان سنتی و مدرن بودن در دو سطح زبانی و مفهومی است که در استعاره‌های مدرن، عنصر خلاقیت وجود دارد. استعاره‌های مفهومی همواره زبانی خلاق با عبارات استعاره‌ای پویا ایجاد می‌کنند. (Lakoff & Turner, 1989: 50-55) اصطلاح عبارات استعاره‌ای برای ارجاع به یک یا چند استعاره که به یک حوزه مشخص تعلق دارند و در موارد مشابه

استفاده می‌شوند، به کار می‌رود. اصطلاح الگوی استعاره‌ای (Metaphorical Pattern) به حضور یک سری عبارات استعاره‌ای اطلاق می‌گردد که به یک حوزه در متون مختلف یک مجموعه اشاره دارند (Semino, 2002: 2-3).

از دیدگاه رویکرد ادراکی/شناختی که رویکرد مورد استفاده در این مقاله است، استعاره یک سازوکار فکری است که جنبه‌های مشترک یک حوزه مفهومی مبدأ (Source Domain) را بر پیکره حوزه مفهومی مقصد (Target Domain) ترسیم می‌کند و بدین ترتیب یک ایده انتزاعی را بر اساس مفاهیمی عینی‌تر که به تجربه روزمره زندگی نزدیک‌تر است، تبدیل می‌کند (Lakoff & Johnson, 1999: 60-65).

همچنین تضاد میان استعاره‌های مورد استفاده در گفتمان‌های ملی که پیرامون موضوعات بین‌المللی هستند، منعکس‌کننده تفاوت‌های الگوهای مفهومی و ایدئولوژیکی در گروه‌های مربوطه است. شیلتون و لاکوف در تأکید بر این باور تا آنجا پیش می‌روند که ادعا می‌کنند «استعاره‌ها به گفتمان سیاست خارجی ساختار می‌بخشند» و این کار را به عمیق‌ترین شکل ممکن انجام می‌دهند زیرا نه تنها کلمات مورد استفاده، بلکه نحوه تفکر نیز در این فرایند دخیل است (Lakoff & Shilton, 1999:37).

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که اعضای متعلق به یک جامعه گفتمانی، عموماً در خدمت یک نظام استعاره‌ای هستند که گفتمان آنها را تحت تسلط دارد.

استعاره‌ها در معنای وسیع خود، وسیله‌ای هستند برای تلقی و فهم یک چیز به عنوان چیزی دیگر و ابزاری قدرتمند برای تحلیل ساختارهای بین‌المللی محسوب می‌شوند (Burke, 1945:503 به نقل از Durlak, 2006: 500).

این واقعیت است که استعاره‌ها قادرند تصمیم‌گیری‌ها و رویه‌های سیاسی را به سمت و سوهای مختلفی سوق دهند. بر اساس این، ساختار بین‌المللی به عنوان فضایی گفتمانی که بر مبنای استعاره‌های خاصی شکل گرفته است، مفهوم سازی می‌گردد. به باور

فرکلاف، آنچه اینجا اهمیت دارد، زبان است که نه تنها بازتابنده واقعیت اجتماعی، بلکه واسطه‌ای است که واقعیت اجتماعی را بر می‌سازد (Fairclough, 1992: 62).

بنابراین مطالعه گفتمان سیاسی به عنوان کاربرد زبان مکتوب یا شفاهی، اطلاعات زیادی را در رابطه با ساختارهای اجتماعی، نهادها و سیاست‌ها در اختیار ما می‌گذارد. در این راستا، ساختارهای گفتمانی به مثابه نظام‌های قواعدی که بنیان یک سری جملات را از میان جملات دیگر در زمان‌ها و مکان‌های مشخصی امکان‌پذیر می‌کنند، سیاست نهفته در آنها را نمودار می‌سازند. رابطه میان ساختار گفتمانی و رویه سیاسی-گفتمانی، دیالکتیک است زیرا هر یک وابسته به دیگری است (Fairclough, 1992: 40).

داده‌های مورد بررسی در این پژوهش، عمدتاً مطالب و مقالات پیرامون وحدت اروپا در مجله‌ها و روزنامه‌های رایج بریتانیا از جمله گاردین (The Guardian)، دیلی تلگراف (The Daily Telegraph)، ایندپندنت (The Independent)، تایمز (The Times)، فایننشال‌تایمز (Financial Times)، سان (The Sun) و اکونومیست (The Economist) می‌باشد. در این میان، فقط روزنامه‌های گاردین و فایننشال‌تایمز اروپاگرا هستند.

تحلیل استعاره‌های اروپایی بریتانیا: علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

گفتمان اروپایی (Eurospeak) که محصول سیاست‌های اتحادیه اروپایی است، عبارت است از مجموعه‌ای از استعاره‌های نهادینه شده که در قالب سناریوهایی همچون «بدن-بیماری-سلامتی» (Life-Health-Body/ Body Politic Metaphors)، «اروپای دو سرعت» (Two-speed Europe)، خانه امن/مشترک اروپایی (European Common House) و خانواده اروپایی (European Family). تعریف لاکوف از سناریو عبارت است از مدل‌های ایدئالیزه شده شناختی که دارای هستی‌شناسی غنی هستند. سناریوها دارای طرح، منبع، مسیر و هدف در حوزه زبان بود و از افراد، اشیاء، روابط و دارایی‌ها تشکیل می‌شوند. از

جمله روابط می‌توان به روابط هویتی و موقتی اشاره کرد. سناریو همچنین یک ساختار هدف دارد. بنابراین می‌توان سناریو را مجموعه‌ای از مفروضه‌ها دانست که پیرامون جنبه‌های شاخص یک موقعیت، توسط اعضای یک جامعه گفتمانی تعیین می‌شوند. (Lakoff, 1987: 285-286 به نقل از Musolff, 2006: 27-28 Se).

سناریوها کمک می‌کنند تا علاوه بر کاربرد مفاهیم مبدأ در مفاهیم مقصد، چارچوب‌های روایی (Narrative Frames) برای مفهوم‌سازی و تشخیص موضوعات سیاسی - اجتماعی و چرخش این روایت‌ها در گفتمان‌های مختلف که شاخصه آن جامعه گفتمانی هستند، شکل بگیرند. درجه بالای تطابق مفهومی و انعطاف‌پذیری سناریوها بسیار حائز توجه است. سناریوها یک ساختار غنی فراهم می‌کنند که به لحاظ استدلالی و معنایی قابل استفاده است. در چارچوب سناریوهاست که جهت‌گیری‌های رفتاری و ارجحیت‌های سیاسی یک جامعه گفتمانی قابل شناسایی می‌شوند. تحلیل سناریوها به عنوان نقاط محوری یک حوزه مفهومی مبدأ، بستری برای پیوند بخش مفهومی استعاره به الگوهای کاربردی آن در گفتمان اجتماعی فراهم می‌کند (Musolff, 2006: 35-36).

اطلاعات حاصل از بررسی متون روزنامه‌ها و مجلات مختلف بریتانیا که پیرامون موضوع اروپا و سیاست‌های اتحادیه اروپایی فعالیت می‌کنند، نشان می‌دهد که طیف وسیعی از استعاره‌های مورد استفاده در این متون، در مخالفت با روند همگرایی و مقاومت در برابر این روند بوده است. تمام عباراتی که قابلیت تحلیل در دو حوزه متفاوت را دارند، به عنوان استعاره انتخاب شده‌اند و تمام آنها دارای بسامد بالا در متون مختلف روزنامه‌ها و سخنرانی‌ها می‌باشند. هدف از تحلیل و بررسی آنها، شناسایی چگونگی برساخته شدن رویکرد بدبینانه بریتانیا نسبت به اتحادیه اروپا و تحلیل و تفسیر این روند است.

سناریوهای بدن

بدن انسان از دوران باستان، منبع الهام استعاره‌های مختلف برای دلالت بر امور سیاسی و اجتماعی در فرهنگ غربی بوده است. قلب به عنوان یکی از اساسی‌ترین اندام‌ها، جایگاه خاص و پرکاربردی در تصویرسازی سیاسی دارد. مطالعه و کندوکاو در سیاست خارجی بریتانیا نسبت به اتحادیه اروپا در طول سال‌های ۱۹۹۰ نشان می‌دهد که رایج‌ترین و پربسامدترین مفهوم در سناریوهای بدن (Life-Health-Body/ Body Politic Scenarios)، به قلب باز می‌گردد. نتایج پژوهش‌های مختلف اندرو موسولف (Musolf) تحت عنوان یورومتا (Eurometa) که شامل بررسی و تحلیل متون حدود ۳۰ روزنامه بریتانیایی در دانشگاه برمنگهام پیرامون نگاه سیاستمداران و رسانه‌های این کشور به اتحادیه اروپایی می‌باشد نیز در این پژوهش مورد استفاده قرار می‌گیرد.

در گفتمان‌های اروپایی، ماهیت سیاسی نقشه استعاره‌ای (Metaphorical Map) عبارت از یک پیکره است که دارای قلب بوده و شرایط فیزیکی کلیت این پیکره به چگونگی عملکرد آن وابسته است. به عبارت دیگر، قلب اهمیتی دوگانه دارد: محوریت جغرافیایی (Geographic Centrality) و محوریت کارکردی (Functional Centrality). در گفتمان سیاست خارجی بریتانیا زمانی که اشاره به «بریتانیا در قلب اروپا» می‌شود، مرکزیت و محوریت کارکردی آن مد نظر است و نه موقعیت جغرافیایی. نقطه آغاز مباحثات پیرامون استعاره بریتانیا در قلب اروپا سخنرانی جان میجر نخست وزیر وقت این کشور در سال‌های دهه ۱۹۹۰ بود که وی در آن زمان دولت خود را به حمایت از همگرایی بیشتر جامعه اروپایی متعهد نمود:

بریتانیا در قلب اروپا خواهد بود و همراه با شرکای خود به سوی یک جامعه متحد

اروپایی حرکت خواهد کرد (The Guardian, 12 March 1991).

جان میجر در این سخنرانی، خوشبینانه نقش بریتانیا را فعال و پیش‌برنده روند همگرایی در مرکزی‌ترین (قلب) نقطه تصمیم‌گیری نهادهای جامعه اروپایی پیشنهاد می‌کند. روزنامه گاردین جمله میجر را این گونه تعبیر کرد: «این مهم‌ترین شناخت از یک پیکره سیاسی در قلب اروپاست و پروژه ماستریخت اکنون قابل بازنگری است» (The Guardian, 3 September 1994).

محکومیت تلویحی دولت میجر به خاطر «بودن صرفاً مجازی در قلب اروپا» تغییر اساسی در ارزیابی سیاسی جمله میجر در ۱۹۹۱ ایجاد کرد. در رویکرد دولت محافظه‌کار و ضد اروپایی وی، وعده کارکرد و حضور بریتانیا در قلب اروپا بسیار پوچ و بی‌معنا می‌نمود: «ما به دنبال مکانی در قلب اروپا هستیم و تا زمانی که به آن نقطه نرسیم، از یافته‌های خود راضی نیستیم» (The Guardian, 6 February 1995).

اکثر گزارش‌ها و تحلیل‌ها مرکزیت کارکردی بریتانیا را از این جملات برداشت

کرده‌اند:

بریتانیا همچنان در حال کشیده شدن به دو طرف است. این کشور به لحاظ جغرافیایی و هویتی در قلب اروپا قرار ندارد، بلکه در حاشیه آن است (The Economist, 26 September 1992).

مجله اشپینگل در یک مصاحبه با مایکل هزلتاین (Michael Heseltine) معاون نخست‌وزیر بریتانیا عنوان نمود:

بریتانیایی‌ها در قبال آن چیزی که اروپای متحد نامیده می‌شود، نظریه‌ای مبتنی بر اصالت عمل دارند. ما خود را قلب اروپا می‌دانیم. اما به همان میزان نیز به دنبال حفظ منافع کشور خود هستیم... (Munich Interview, 25 December 1995).

در جمله بالا بریتانیا به صراحت خود را متفاوت و جدای از اروپا قلمداد کرده با حضور در محور تصمیم‌گیری، قصد پیگیری منافع ملی خود را دارد. یا در جایی دیگر می‌بینیم: بریتانیا خود را

در قلب اروپا قرار داد تا نقش تام و تمامی در مباحث پیرامون وحدت پولی، اشتغال، هزینه‌های اجتماعی، نوآوری‌ها و کمک‌های منطقه‌ای بازی کند (The Guardian, 16 November 1993).

واضح است که در این مثال‌ها «قلب اروپا» به لحاظ سیاسی مهمترین «مکان» در جامعه/ اتحادیه اروپایی است که تصمیمات کلیدی در آن گرفته می‌شود. جایگاه بریتانیا در رابطه با این محوریت، در چارچوب نزدیکی و دوری به این قدرت تعریف شده و بدیهی است که رابطه این دو از ابتدا پر تعارض (Contentious) بوده است. در غیر این صورت نمی‌بایست تفاوت چندانی برای سیاستمداران و مفسران وجود می‌داشت که این گونه اصرار به بودن بریتانیا در قلب اروپا داشته باشند.

در عین حال، درک محوریت کارکردی و نه جغرافیایی از قلب اروپا، راه را برای سناریوهای ارگانیک خصوصاً استعاره‌هایی همچون «بیماری» باز می‌کند که البته مورد نظر میجر و بلر نبوده است. به عبارت دیگر، مفهوم قلب از وعده‌های خوشبینانه نخست‌وزیران بریتانیا که در رابطه با مشارکت در سیاست‌های اتحادیه اروپایی برآمده بود، سوژه‌ای ساده بدست منتقدین شک‌گرا و ضداروپایی داد تا تنها به جنبه‌های کژکارکردی این قلب پردازند و این امر با استفاده از استعاره قلب در موقعیت مرکزی اتحادیه اروپا امکان‌پذیر شده است: «بریتانیا را باید نصیحت کرد که در صورتی که از شریان‌های حیاتی خود جدا شود، نمی‌تواند در قلب اروپا قرار گیرد» (The Guardian, 10 June 1997). «کمیسیون اروپایی غیر دمکراتیک است. واقعیت این است که قلب فاسد اروپا هرگز مداوا نخواهد شد» (The Sun, 17 March 1999). «قلب فاسد اروپا» همچنین عنوان کتابی از کانلی (B. Connolly) است که در سال ۱۹۹۵ انتشار یافت و پیرامون همین موضوع به تفصیل به بحث و استدلال پرداخته است.

شعار بریتانیا در قلب اروپا و نیز استعاره‌های همگرایی به سمت قلب فاسد (Rotten) و یا بیمار (Diseased) و به طور کلی سناریوهای بیماری، حتی بعد از تغییر

دولت از محافظه‌کار به کارگر نیز در سال ۱۹۹۷ باقی ماند و بدین ترتیب استعاره‌های تصلب شرایین و قلب فاسد، همچنان در ادبیات سیاست اروپایی این کشور مورد استفاده بودند:

بعد از یک دوره طولانی از ابهامات و دروغ‌های محتاطانه، نخست وزیر به زبان خود دنده را عوض کرد و به جاه طلبی خود برای جا کردن بریتانیا از جای درست خود، در قلب اروپا جامه عمل پوشانید و سپس ناگهان قلب اروپا بیمار شد (The Economics, 20 March 1999).

در مثال بالا از دو استعاره که متعلق به دو سناریوی متفاوت هستند استفاده شده است: سناریوی سفر-سرعت و سناریوی بدن-بیماری. روشن است که در این نقل قول که به رویکرد ریاکارانه حزب محافظه‌کار اشاره دارد، جای درست بریتانیا خارج از اروپا و دور از قلب اروپا که بعدها به بیماری و کژکارکردی دچار می‌گردد، تلقی شده است. بدین ترتیب چالش‌های بزرگ‌تری نیز در مقابل وعده میجر به وجود آمد که در آنها عبارت خوشبینانه اولیه (بریتانیا در قلب اروپا) در سناریوهای بدبینانه‌ای قرار گرفت که نسبت به ایست قلبی و بیماری هشدار می‌دادند:

لامونت، مشاور سابق حزب توری نیز در این باره گفت: «اگر قلب اروپا فاسد باشد، بودن در قلب اروپا هیچ معنایی ندارد» (The Guardian, 10 October 1996). و در جایی دیگر، ادوارد هیت نخست وزیر سابق بریتانیا در این باره اظهار داشت:

حق با میجر است که گفت بریتانیا باید در قلب اروپا باشد. اما نمی‌توان در قلب اروپا بود در حالی که تمام مدت در حال قطع کردن شریان‌های حیاتی آن هستیم (The Daily Telegraph, 21 June 1996).

استعاره قلب اروپا به عنوان یک ارگان و یک عضو از بدن، بر دانش پزشکی استوار است. یک پیکره/بدن قادر نیست بدون کارکرد درست قلب، سلامت و برقرار باقی بماند.

در این مثال‌ها بیماری، فساد و جدایی شریان‌های حیاتی، نزدیکی و تداخل بریتانیا را در تصمیم‌گیری‌های اتحادیه اروپا تکذیب می‌کند و پیامدهای نوع خاصی از سیاستگذاری را خاطرنشان می‌سازد. همچنین در مثال‌های بالا، خود کمیسیون اروپا نیز قلب اروپا محسوب شده که به درستی کار نمی‌کند. در اینجا نگاه شک‌گرایانه به اروپاگرایی کاملاً مشهود است و قصد دارد به این نتیجه برسد که در صورتی که کمیسیون به عنوان قلب اروپا فاسد باشد، بنابراین کل پیکره اتحادیه در خطر است. در نتیجه‌گیری کلی هر گونه نزدیکی و پیوند بیشتر با آن خطرناک و نامعقول خواهد بود: «تونی بلر می‌گوید که اروپا را در قلب بریتانیا می‌خواهد. خوب به نظر می‌رسد که امروز، اروپا دارد روی دیگر خود را به ما نشان می‌دهد» (The Sun, 3 September 2001).

بدین ترتیب محوریت کارکردی و سناریوهای ارگانیک و بیماری، دو خوانش متفاوت از یک استعاره قلب اروپا هستند. طول عمر گفتمانی یک استعاره (Discourse Career of a Metaphor) دست کم به دو عامل مکمل هم بستگی دارد:

۱- پایه و اساس تجربی که تضمین می‌کند همواره یک معنای واحد که مد نظر است، از آن برداشت شود؛

۲- ظرفیت و انعطاف‌پذیری مفهومی لازم که به ما اجازه می‌دهد در سناریوهای متفاوت و حتی متضاد از آن استفاده کنیم. رویکرد تحلیل استعاره‌ای ابعادی از واقعیت را به روی ما می‌گشاید که حتی جهت‌گیری سیاسی یک سناریو (از طرفداری از اروپا تا شک‌گرایی اروپایی) می‌تواند منجر به طولانی‌تر شدن دوره زندگی یک استعاره مفهومی شود (Musolff, 2004: 65-70).

استعاره‌های بدن-بیماری-سلامتی در رابطه با یورو نیز به کار گرفته شده‌اند. استعاره تولد یورو (Birth of the Euro) پربسامدترین استعاره در میان الگوهای جان‌بخشی به اجسام در حوزه یورو بوده است. واژه تولد به دلیل کاربرد آن در دو حوزه انسان‌ها و

اقتصاد، استعاره به حساب می‌آید. جان بخشیدن به اشیاء و شخصیت قائل شدن برای آنها (Personification) یک الگوی فراگیر استعاره‌ای قابل مشاهده در متون مختلف می‌باشد که در اینجا یورو به عنوان یک موجود زنده در نظر گرفته شده است: «پول رایج، سلامت باقی می‌ماند (The Independent, 31.12.1998). و در جایی دیگر، رونمایی یورو برای اولین بار، به تولد انسان تشبیه شده است: «فردا پول رایج جدید با عنوان یورو متولد خواهد شد» (The Independent, 31.12.1998).

به باور لاکوف و جانسون، جان بخشیدن و شخصیت دادن به اجسام، از تجربه انسانی ما برخاسته و باعث فهم بهتر موضوعات از طریق انگیزه‌ها، ویژگی‌ها و فعالیت‌های انسانی می‌گردد. در مثال فوق، توسعه و گسترش آینده یک پول رایج بر اساس موجودیتی فیزیکی با قابلیت زندگی برساخته می‌شود. لاکوف و جانسون نکته‌ای را در رابطه با جانبخشی به اجسام ذکر می‌کنند: «جانبخشی یک فرایند واحد و عام نیست، بلکه هر بار بر اساس ابعادی خاص از ویژگی‌های انسانی و شخصیتی انجام می‌شود (Lakoff & Johnson, 1980: 33). به عنوان مثال ممکن است در چاقوب قوی و ضعیف مورد تحلیل قرار گیرد که این استعاره‌ها به یورو هم اطلاق شده‌اند.

استعاره تولد یورو حدود ۲۷ بار در روزنامه‌های مورد بررسی تکرار شده بود. استفاده از این استعاره منجر به برساخته شدن گفتمانی در حوزه‌های فیزیکی و احساسی می‌گردد. حتی در قسمت‌هایی فرایند آماده‌سازی برای وحدت پولی به بارداری تشبیه شده و برای مرحله نهایی تبدیل به پول واحد، از استعاره وضع حمل طولانی استفاده شده است. بدیهی است که مفاهیم پیوند خورده با این استعاره شامل تلاش، خستگی و درد می‌باشند که بیان‌گر سختی‌ها و مشکلات تنیده با مشارکت در وحدت پولی است.

«در ماه مارس امسال، پول رایج جدید یک نوزاد نارس بیمار است» (The Daily

Telegraph, 31.12.98).

در این نقل قول که رویکردی منفی نسبت به شرایط زمانی رونمایی یورو دارد، یورو به یک نوزاد تشبیه شده که از بیماری و نارسایی رنج می‌برد. اشاره به چنین ویژگی‌های فیزیکی به این معناست که اگر وحدت پولی طبق برنامه پیش رود، پول جدید دارای ارزش نازل و پرستیژ پایین خواهد بود. بدیهی است که استفاده از عباراتی که به حوزه انسانی ارتباط دارد، به شفافیت و اعجاز بیان گوینده کمک می‌کند.

در چارچوب سناریوهای بدن-بیماری-سلامتی که از همان نگاه ارگانیک به یک سیستم نشأت می‌گیرد، استعاره «مرد بیمار اروپا» نیز قرار می‌گیرد. در سال‌های ۱۹۷۰، بریتانیا به مرد بیمار اروپا شهره بود و گاهی رسانه‌های این کشور، این لقب را به آلمان نسبت می‌دادند و این زمانی بود که اقتصاد اروپا دچار تهدید و بحران شده و استانداردهای وحدت اقتصادی و پولی را تأمین نمی‌کرد: چگونه اوضاع تغییر کرده است... باید از اصلاحات در روند همگرایی، آزادسازی اقتصادی و سیاست‌های پولی و مالیاتی سپاسگزار بود. بریتانیا جایگاه خود را از مرد بیمار اروپا به بهترین اقتصاد سال و احتمالاً سال آینده ارتقا داده است و این آلمان است که زمانی مرکز قدرت اقتصادی قاره بود و اکنون بیمار به نظر می‌رسد (The Times, 26.10.2001).

بدیهی است که با بیمار انگاشتن یک کشور به عنوان بخش و عضوی از یک سیستم بزرگتر که اتحادیه اروپا باشد، اتحادیه اروپا به عنوان یک اندام‌واره کامل در نظر گرفته می‌شود که از عدم سلامت و بیماری رنج می‌برد. این مفهوم استعاره‌ای، دو سناریو بیماری را در گفتمان اروپایی پیش می‌کشد:

۱- موقعیت حساس قلب اروپا و آسیب دیدن آن؛

۲- تصلب شرایین اروپایی (Euro-Sclerosis).

اصطلاح دوم که تنها اصطلاح مطلقاً پزشکی در گفتمان اروپایی است، مفهوم عمیقی را با خود حمل می‌کند. این اصطلاح در سال‌های دهه ۱۹۸۰ برای هشدار در قبال

افزایش انعطاف‌پذیری اقتصادی و نهادی جامعه اروپا مورد استفاده قرار گرفت و بعد از آن در میان مفسران بریتانیایی که غالباً نگاهی شک‌گرا نسبت به اروپا داشتند، در جهت اشاعه پرهیز از پیوستن به وحدت پولی مورد استفاده قرار گرفت (Musolf, 2003: 5).

در عباراتی دیگر، وحدت پولی به تحقق یک رویا (Dream) تشبیه شده که «رویا» در اینجا یک استعاره است زیرا رویا خاص حوزه انسان می‌باشد: «امروز یک رویای اروپایی تحقق خواهد یافت» (The Daily Telegraph, 1.1.1999) و باز در همان منبع: «روای اروپا و نه مال ما». در این دو مثال، گوینده مشخصاً اروپا را در مقابل ما (بریتانیایی‌ها) قرار داده و اعتبار استعاره رویا را تنها به اروپا محدود می‌کند. با نگاه به رویکرد بریتانیا نسبت به بودن در قلب اروپا، می‌توان این گونه تفسیر کرد که جایگاه بریتانیا در واقع از قلب اروپا فاصله دارد. اروپاگرایان بر این باورند که این فاصله به مرور زمان کم خواهد شد، اما شک‌گرایان اروپایی همان گونه که در مثال‌ها روشن است، معتقدند که این فاصله رفته رفته بیشتر و بیشتر خواهد شد. به باور اکثریت در بریتانیا که ضد اروپا به نظر می‌رسند، بودن بریتانیا در قلب اروپا فاقد معناست و اصلاً بریتانیا شک دارد که اصولاً مایل است در این قلب باشد یا نه. حتی سیاستمداران و رسانه‌های اروپاگرا نیز فاصله کم سیاسی میان بریتانیا و قلب اروپا را به عنوان کورسوی امیدی در آینده در نظر می‌گیرند و نه چیزی که در کوتاه مدت قابل دستیابی باشد.

سناریوهای سفر، سرعت و حرکت

دسته‌ای از این استعاره‌ها حول محور «سفر»، «سرعت» و «حرکت» (Journey, Speed, Motion) بوده که در میان آنها استعاره‌هایی چون حرکت، مسیر عبور و حتی نام وسائل نقلیه مثل قطار، کشتی، قایق، کاروان، کالسکه و هواپیما نیز به چشم می‌خورد. در صفحه اول مجله اقتصاد (The Economist) در سال ۱۹۹۰، تصویری کارتونی از جامعه اروپایی (EC) به چاپ رسیده بود که در آن کالسکه‌ای به چشم می‌خورد که استعاره‌ای بود از جامعه اروپا که

فرانسوا میتران (François Mitterrand) رئیس‌جمهور فرانسه و هلموت کهل (Helmut Kohl) صدر اعظم آلمان اسب‌ها را می‌رانند، ژاک دلور نماینده کمیسیون اروپا در جلو نشسته و راننده اصلی کالسکه بود و دیگر نمایندگان عضو جامعه اروپایی، همگی بجز مارگارت تاچر نخست‌وزیر بریتانیا که در صندلی عقب نشسته بود و سعی در ایجاد اختلال در رانندگی داشت، در اتاقک عقب کالسکه نشسته بودند. سرفصل مقاله مزبور نیز درونمایه سفر بود با این مضمون: «کالسکه جادویی و اسرارآمیز جامعه اروپا که به سوی مقصد نهایی اتحادیه اروپا در حرکت است» (The Economist, 5 May 1990).

از زمان مذاکرات پیمان ماستریخت در اواخر ۱۹۹۱، دولت بریتانیا شروع به کندسازی فرایند همگرایی اروپایی نمود که این رویکرد تبدیل به بیانیه (Manifest) بریتانیا در رابطه با وحدت اقتصادی و پولی (EMU) شد. این رویکرد در نقل قولی از روزنامه گاردین به خوبی مشهود است: ماستریخت یک فرسخ‌شمار (Milestone Summit) است... ماستریخت تبدیل به یک تسمه/نقاله (Conveyor Belt) در جهت هدایت کشورها به سوی یک پول واحد تا پایان دهه ۱۹۹۰ شده که بریتانیا خود را از آن دور نگاه داشته است... در هر حال حمایت بریتانیا از این فرایند، به تأخیر خواهد افتاد. البته اگر حمایتی در کار باشد (The Guardian, 11 December 1991).

در تحلیل استعاره‌های مورد استفاده در این نقل قول، می‌توان یک ارزیابی دوگانه داشت. یکی اینکه مسیر رسیدن به وحدت اقتصادی و پولی یک مسیر به سمت فاجعه در نظر گرفته شده و کشورهایی که به آن متعهد می‌شوند، روز به روز و با سرعت تمام به سمت نزدیک شدن به این فاجعه هستند. در حالیکه یک کشور آهسته مثل بریتانیا، شاید با کند بودن سرعت خود بتواند از آن پیشگیری کند. اما ویل‌هاتن (Will Hutton) سردبیر روزنامه گاردین، به جای مؤاخذه یا تحسین بریتانیا، جامعه اروپا را مسئول می‌شناخت که با توافق در رابطه با وحدت اقتصادی و پولی وضعیتی بوجود آورده بود که تنها گزینه برای

بریتانیا را انتخاب میان پیوستن یا نپیوستن به آن قرار داده و بدین طریق شکاف میان اعضای اتحادیه را افزایش می‌داد.

اروپا در حال تجربه یک آزمون قاره‌ای در رابطه با ارزش است. این امکان وجود داشت که به یک وحدت عمیق‌تر به دور از چنین ریسک‌هایی دست یابیم، به ویژه با وجود پنچری تایرها. اما هیچ کس اشاره‌ای به این موضوع نکرد. شاید این اتفاق تا سال ۱۹۹۰ بیافتد (The Guardian, 11 December 1991).

بریتانیا با شک و تردید نسبت به بالا بردن سرعت همگرایی پولی، کشورهای عضو جامعه اروپا را برای عدم کند کردن سرعت در مسابقه (Race) با سرعتی همپای بریتانیا سرزنش می‌کند. مایکل هووارد (Michael Howard) وزیر محافظه‌کار بریتانیا، کشورهای سریع را تهدیدی برای کشورهای کند تلقی می‌کند اما در عین حال بر این باور است که: «هر حرکتی مبنی بر خود را رساندن به معنای پذیرش این واقعیت است که ما جا مانده‌ایم. بنابراین بالا بردن سرعت به غرور ما لطمه خواهد زد». وی ترجیح داد تا در این خط عبور آهسته (Slow Line) باقی بماند: «بریتانیا بهتر است در همان خط عبوری که با اشتباه، خط عبور آهسته می‌دانند، باقی بماند» (The Guardian, 28 September 1992).

جان میجر نیز در این رابطه گفت: «من فکر نمی‌کنم این تهدید برای اروپا باشد اگر هر یک از اعضاء کارهایی را به روش خود و با سرعت خود انجام دهند» (The Guardian, 1 June 1994).

مارگارت تاچر طی یک سخنرانی به رهبران جامعه اقتصادی اروپا هشدار داد که به دور بی‌پایان خود پایان داده و به مردم خود توجه کنند: «این ترس وجود دارد که قطار اروپایی با محموله سنگین خود به جلو می‌تازد و به سمت سرنوشتی پیش می‌رود که قابل فهم و پیشینی برای هیأت انتخاباتی نبوده است. اما می‌توان این قطار را نگه داشت» (Sunday Times, 20 September 1992).

تصویر غالب رسانه‌های بریتانیا از ملت خود، همواره به عنوان یک کشور کند (Laggard) در رابطه با اتحادیه اروپا حتی در زمان تغییر دولت در این کشور در مه ۱۹۹۷ باقی ماند. گاردین در ۱۶ ژوئن ۱۹۹۷ تصویر اتحادیه را به گونه‌ای ترسیم می‌کرد که با سرعت تمام، بدون بریتانیا و بدون اعتنا به عدم حضور این کشور در حال حرکت به سمت وحدت اقتصادی و پولی است. ۱۶ ماه بعد، تایمز که شک‌گراتر بود، در ۵ دسامبر ۱۹۹۸ با ارزیابی مشابهی، اروپا را به یک قطار سریع‌السیر تشبیه کرده بود که مسافران بی میل خود را به هزاره‌ای جدید راه می‌برد (Musolff, 2000a:11).

دسته‌ای دیگر از استعاره‌ها در چارچوب سناریوی سفر، سرعت و حرکت، استعاره‌های مرتبط با سفر دریایی (Maritime Journey) هستند که با بسامد بالایی در گفتمان سیاست خارجی بریتانیا به چشم می‌خورند. در گفتمان سیاسی، استعاره سفر دریایی تاریخچه‌ای سنتی دارد که به دوران ارسطو بازمی‌گردد. ارسطو در سیاست مورد نظر خود، وابستگی متقابل انواع مختلف شهروندان و ارتباط آنها با امور دولت را با استعاره دریانوردان (Sailors) که روی یک کشتی کار می‌کنند نشان می‌دهد:

شهروند همچون یک دریانورد، عضوی از یک اجتماع است که عملکردهای متعددی از جمله پاروزن، کاپیتان، نگهبان دارد که همگی یک هدف مشترک را دنبال می‌کنند که حفظ امنیت ناوگان/کشتی است. شهروندان این کشتی متفاوت‌اند اما نجات این اجتماع، مسئولیت همگی آنها است (Aristotle 1941: 1180 به نقل از Musolff, 2000b: 2).

در چارچوب سناریوی سفر دریایی، استعاره کاروان (Convoy) نیز به چشم می‌خورد. هلموت کهل در حمایتی پرشور از پیمان ماستریخت در کنگره سالانه وحدت دموکراتیک و مسیحی اشاره مکرر به بازتولد ملی‌گرایی شووینیستی در غرب همانند شرق نمود و در رابطه با مداخله در مباحثات بریتانیا پیرامون تصویب معاهده بیان داشت: «ما اروپایی با دو یا سه

سرعت نمی‌خواهیم. همچنین اروپایی را که در آن سرعت آهسته‌ترین کشتی، سرعت کلیه کاروان را تعیین می‌کند، نمی‌خواهیم» (The Guardian, 28 October 1992).

همچنین در گاردین تأکید شده بود که «این یک تهدید مخصوص برای جان میجر نیست» و سخنرانی کهل را به عنوان یک مدرک که از طریق آن صدر اعظم آلمان بر نقش مقتدرانه رهبری جامعه اروپایی در تصویب پیمان ماستریخت صحنه گذاشت، در نظر گرفته بود. استفاده از استعاره کاروان نیز به منافع برتری‌جویانه و جایگاه رهبری اروپایی اشاره دارد. کهل همچنین طی نامه‌ای در فایننشال تایمز نوشت: من مخالف با ایده اروپا با دو یا سه سرعت هستم، اما فقط می‌خواهم اضافه کنم که با توجه به اهمیت اتحادیه اروپا برای آلمان‌ها، ما نمی‌توانیم بپذیریم که سرعت همگرایی اروپایی توسط آهسته‌ترین کشتی درون کاروان دیکته شود (Financial Times, 4 January 1993).

سرديبر فایننشال تایمز نیز این جمله را حمل بر سرزنش کشورهای کند (Laggards) توسط رهبر کاروان کرد که منظور از کندها، بریتانیا و دانمارک بود. بدیهی است که کهل با این گونه تصویرسازی از کاروان، تلاش در تحریک بریتانیا و ایجاد انگیزه در این کشور برای رسیدن (Catching Up) به گروه سریع (Fast Group) کشورهای اتحادیه اروپایی دارد. همچنین در طول مباحثات میان انگلیسی‌ها و آلمانی‌ها (Anglo-German) پیرامون سیاست‌های اتحادیه اروپا در سپتامبر ۱۹۹۴، حزب دمکرات مسیحی آلمان که به دنبال تقویت و گسترش دولت‌های محوری (Core) اتحادیه اروپا بودند، رسانه‌های بریتانیا در مورد استعاره‌های کاروان در بیانات آنها اظهار نظر کردند: ... اگر اروپا هماهنگ با سرعت آهسته‌ترین کشتی کاروان در حرکت باشد، قادر نیست به هیچ وحدت نزدیک‌تری دست یابد (The Guardian, 7 September 1994).

استعاره‌های پویایی (dynamic metaphors) علیه بریتانیا برخاسته و قصد از پای درآوردن آن را دارند. منتقدینی چون کهل، هفته قبل بر این موضوع پافشاری کردند که

کاروان نمی‌تواند با سرعت آهسته‌ترین کشتی حرکت کند (The Independent, 11 September 1994).

بدین ترتیب مفسران بریتانیایی در مطبوعات خود شروع به تکرار استعاره کاروان و کشتی آهسته نموده و این تصاویر را هشدار و تهدیدی علیه کشور خود تلقی کردند. همچنین با نگاهی انتقادی، از بیانات کهل نتیجه‌گیری کردند که وی قصد به رخ کشیدن تعهد خود و کشورش به روند همگرایی اروپا را دارد. این رویکرد انتقادی عموماً توسط سفیران دولت توری در برابر کاربرد تبعیض‌آمیز استعاره کاروان اتخاذ شد.

در سال ۱۹۹۶، مایکل پورتیلو (Michael Portillo) وزیر دفاع وقت، از تمسخر [موجود در اصطلاح] قایق آهسته (Slow Boat Taunt) به عنوان یک اصطلاح ضدبریتانیایی انتقاد نمود (The Times, 5 February 1996).

و یک سال بعد نزدیک به انتخابات عمومی، مالکوم ریفکیند (Malcolm Rifkind) وزیر خارجه بریتانیا انتقاد دولت خود از استعاره کهل را این گونه بیان کرد: ... هیچ مفهومی در صحبت پیرامون همگرایی سریع‌تر که منجر به جا گذاشتن «قایق‌های آهسته‌تر» درون کاروان می‌شد، وجود نداشت. ما در مورد کاروان‌ها صحبت نمی‌کنیم، بلکه حرف ما بر سر دمکراسی است (The Times, 20 February 1997).

ریفکیند در برخوردی جسورانه، مباحثات پیرامون همگرایی اتحادیه اروپا را به نفع شک‌گرایان اروپایی بریتانیا گرداند و به جای اقناع کردن مخاطبان خود در بن، سعی کرد سرزنش خود را از تقسیمات اتحادیه، متوجه کهل به عنوان رهبر کاروان کند. با کنار هم گذاشتن سلسله مراتب کاروان و دمکراسی، ریفکیند اظهار داشت که استفاده از تصویر کاروان برای اشاره به یک وحدت غیردمکراتیک مناسب است (Mussolf, 2000b: 11-12).
دسته‌ای از استعاره‌های مربوط به «یورو» نیز استعاره‌هایی هستند که بر محور سفر قرار دارند. به این معنا که در آنها یورو به عنوان مقصد، هدف نهایی و در جاهایی مسافر

یک سفر طولانی برساخته می‌شود. در مثال‌ها استعاره‌هایی مثل رسیدن، پیش رفتن، گذر کردن و قدم برداشتن نیز به چشم می‌خورد که در آنها یورو به عنوان مسافر (Traveler) در حرکت است: «رضایت قابل توجه که یورو باشد، رسیده (Arrived) است» (The Daily Telegraph, 31.12.1998). و در جایی دیگر: «امروزه پول واحد اروپایی بدون حضور بریتانیا به پیش (Goes ahead) می‌رود» (The Guardian, 1.1.1999). در این دو نقل قول، یورو به عنوان یک مسافر تازه از راه رسیده معرفی شده که بدون حضور بریتانیا به پیش می‌رود. در واقع یورو مسافری است که به سمت مقصد خاصی در حرکت به جلو است. در جایی می‌خوانیم: «بعد از برداشتن یک قدم تاریخی برای دستیابی به یک پول واحد» (The Daily Telegraph, 1.1.1999). در اینجا استعاره سنتی قدم اشاره به ایجاد تغییر و تحولات و رهایی از سکون دارد که بریتانیا به پیامدهای دستیابی به یک پول واحد اروپایی اشاره می‌کند.

اما چرا از چنین استعاره‌هایی به تکرار و تناوب در روزنامه‌های بریتانیا استفاده می‌شود؟ شاید به این دلیل که این استعاره‌های ملموس، یک سلسله فرایندهای پیچیده و انتزاعی مثل سازماندهی وحدت پولی را در یک سناریوی ساده که در آن مسافری به سوی مقصد خود حرکت می‌کند، فهم‌پذیر می‌کنند. همچنین باعث می‌شوند که این اتفاق در چارچوب آغاز، پایان و یا قسمتی از یک سفر، مفهوم‌سازی شده و از این طریق با درک گذشته، دستاوردها و هدف نهایی یک فرایند، به تصویرسازی چشم انداز توسعه آتی آن کمک می‌کنند. لاکوف در این رابطه به اصطلاح سلسله مراتب موروثی اشاره می‌کند تا توضیح دهد چگونه یک استعاره انتزاعی به یک استعاره مفهومی شکل می‌دهد. تفاوت‌های بین الگوهای مختلف استعاره‌ای مثل معرفی یورو به عنوان یک مسافر و یا مقصد را می‌توان با مفهوم «دوگانگی» (Duality) مورد نظر لاکوف تحلیل کرد که بیانگر

انعطاف‌پذیری یک حوزه برای مفهوم‌سازی توسط یک مجموعه استعاره‌ها (مثلاً بر اساس ایده مکان و یا اشیاء متحرک) است (Lakoff, 1993: 220).

در تمام استعاره‌های مرتبط با سفر دریایی، کلیه مسافران کشتی در صورت تمایل به پایان رساندن سفر باید مسئولیت خود را انجام داده و تحت یک رهبری (کاپیتان) با یکدیگر همکاری کنند. لرد تبت (Lord Tebbit) نماینده سابق حزب محافظه‌کار خطاب به اعضای اتحادیه گفت:

به کشتی تایتانیک یورو خوش آمدید. همگی می‌دانیم که درون نظام وحدت پولی، تنها یک نرخ بانکی وجود دارد... تصور کنید که یک کشور به نرخ سود کمتر برای پیشگیری از گرفتاری در بحران اقتصادی نیاز دارد، اما بانکداران تصمیم می‌گیرند که آلمان نیاز به سود اقتصادی بیشتر برای تعدیل اقتصادی دارد... سپس تصور کنید در یک انتخابات، مردم یک پارلمان متعهد به نرخ‌های سود پایین‌تر و مالیات‌های کمتر را برگزینند. آن وقت چه؟ این چیزی است که من آن را یک تایتانیک یورو بدون هیچ قایق نجاتی می‌نامم (The Times, 18 June 1998).

در نگاه لرد تبت محافظه‌کار، کشتی تایتانیک یورو (وحدت اقتصادی و پولی) سرنوشتی جز غرق شدن ندارد و در تصمیماتی که بانکداران ناشناخته می‌گیرند، بریتانیا به عنوان «یک کشور دیگر» (One Other Country) نقشی نداشته و تنها یک قربانی خواهد بود که بی‌تقصیر از بین می‌رود.

زمانی که وزیر خارجه آلمان درخواستی به بریتانیا برای پایان دادن به دلسردی خود نسبت به همگرایی اروپایی تقدیم نمود، این گونه اظهار داشت: «دیر گرفتن قایق بهتر از شنا کردن به دنبال آن است» (The Guardian, 18 January 1996).^۱ بدیهی است که این

۱. و در جایی دیگر، یک روزنامه آلمانی زبان این گونه بریتانیا را ترسیم می‌کند: «بریتانیا به نرده‌های کشتی آویزان است و همواره در خطر افتادن به دریا است، در حالی که می‌توانست در عوض بر عرشه کشتی ایستاده باشد» (Die Zeit, 16 September 1994).

رویکرد توسط مفسران اروپاگرا طرح و حمایت می‌شود که معتقدند باید بریتانیا بر کشتی اروپا سوار شده و با آن همراه گردد.

بنابراین ضداروپاییان همواره از عدم حضور بریتانیا در کشتی اروپایی که معتقدند به سرنوشت غم‌انگیز تایتانیک دچار خواهد شد، حمایت می‌کنند. در دیگر استعاره‌های سفر مثل قطار اروپایی (Euro Train) نیز بریتانیا به عنوان کشوری که تلاش در اعمال اختلال و یا سعی در بیرون پریدن از قطار را دارد، تصویر شده است. از دیگر استعاره‌های مرتبط با سناریوی سفر که در مورد بریتانیا مورد استفاده قرار گرفته است می‌توان به «مسافر گم شده» (The Lost Passenger)، «اتوموبیل پنچر شده» (Car Breaking Down by Lane) و یا اتوموبیلی در خط عبور آهسته در اروپای با دو سرعت نام برد.

سناریوهای خانوادگی - خانواده اروپایی

به باور لاکوف، استعاره خانواده (Family) و تصویر یک ملت به عنوان خانواده به ما اجازه می‌دهد که ارتباطات درون یک ملت را بر اساس دانسته‌های خود از قوانین و شرایط حاکم بر روابط خانوادگی درک کنیم. یکی از مهم‌ترین استعاره‌ها در گفتمان اروپایی بریتانیا خصوصاً در دوران بعد از جنگ جهانی دوم، استعاره خانه مشترک اروپایی است. این استعاره نخستین بار توسط چرچیل در یک سخنرانی در ۱۹۵۰ و بعد توسط گورباچف به کار گرفته شد:

در میان تمام اهداف استراتژیک، تأکید ما بر ایجاد یک خانه امن اروپایی است. یک اروپای حقیقتاً واحد، اولین بلوک در خلق امنیت جهانی در قرن ۲۱ خواهد بود... ما کار زیادی انجام داده‌ایم. به جنگ سرد و تعارضات پایان داده‌ایم. پس بگذارید هم اکنون به طور کامل این خانه جدید را بنا کنیم (Gorbachev, 2004) به نقل از (Musolf, 2000a).

لاکوف بر این باور است که کلیشه غربی خانه شامل یک خانواده با یک واحد و ساختار مشخص است که اعضای آن باهم پیوندهای درونی دارند. در نتیجه افراد این خانه

دارای مسئولیت جمعی با تکرر و تنوع در واحدها اما ساختار مشترک هستند که همگی در راستای حفظ امنیت کل ساختار فعالیت می‌کنند (Chilton & Lakoff, 1995:54).

دسته‌ای دیگر از استعاره‌ها که در زیر مجموعه سناریوهای خانوادگی قرار می‌گیرند، عبارت‌اند از استعاره‌های زوج، پیوند زناشویی، ازدواج، دوران نامزدی، ماه عسل و طلاق: در طول دهه گذشته هر بار که نخست وزیر یا نماینده جدیدی از فرانسه آمده، خیلی کوتاه به لاس زدن با بریتانیای ضد اروپا پرداخته است؛ فقط به این خاطر که پیوند قدیمی خود با آلمان را حفظ کند (The Economist, 5 September 1998).

از زمان نشست اتحادیه اروپا در استکهلم، به نظر می‌رسد که این شراکت سه گانه پردردسر باید نجات یابد. در حال حاضر، صدر اعظم آلمان فقط وعده صداقت زناشویی داده است: هیچ اتحاد بیشتری با تونی بلر در کار نخواهد بود (Die Zeit, 29 March 2001).

نقل قول آخر از یک روزنامه آلمانی استخراج شده که حاکی از عدم تمایل آلمان برای رابطه بیشتر با بریتانیا در اتحادیه می‌باشد. آنچه از این نقل قول‌ها برمی‌آید، این است که همگی به صورت یک خانواده تصویر شده‌اند. در خوانش‌های سنتی از نظریه ادراکی_شناختی، متون استعاره‌ای گستره‌های خاصی از نقشه‌برداری (Mapping) میان حوزه‌های مبدا و مقصد معرفی می‌کنند (Lakoff & Johnson: 1980). نقشه‌برداری پایه‌ای در نقل قول‌های بالا می‌تواند از طریق تصویر همکاری میان دولت‌ها در ازدواج صورت بگیرد که پیش فرض‌های آن، سلسله‌مراتبی از نقشه‌برداری‌های کلی‌تر است (به عنوان مثال در سطوح پایین‌تر، دولت یک فرد تلقی می‌شود) (Mussolf, 2006: 23-24).

در مثالی که اشاره به زوج سه گانه دارد، پیوندی میان بریتانیا، فرانسه و آلمان برقرار کرده که دو تای آخر، یک زوج محسوب شده و بریتانیا خارج از این حلقه در نظر گرفته شده که برای ازدواج آن دو، مزاحمت ایجاد می‌کند. در مثال اول، نماینده فرانسه به عنوان

یک حزب/شریک فعال اما غیر قابل اطمینان در این اتحاد تصویر شده در حالی که نماینده آلمان که به عنوان متهم تصویر شده، باید پیمان ازدواج خود را تجدید کند.

ازدواج اقتصادی که ۱۱ شریک در شرف انجام آن هستند، نیاز به دوران نامزدی طولانی تری داشت. این اتفاق نمی‌بایست رخ می‌داد. امیدوار باشیم این ازدواج شتابزده به پشیمانی و تأسف نیانجامد (The Guardian, 27 January 1996).

در حالی که اروپاییان از ۱۱ کشور، تولد پول واحد اروپایی خود را جشن گرفتند، بریتانیا از ورود یورو ناخرسند بود (The Economist, 9 January 1999).

سناریوی ازدواج ۱۱ گانه که به تولد یک نوزاد با والدین گوناگون ختم می‌شود، یک فضای مفهومی ترکیبی و تازه را خلق می‌کند. فضایی که نشان‌دهنده وحدت یازده کشور با پذیرش پول مشترک بوده و بریتانیا به گونه‌ای خودخواسته بیرون از آن حلقه قرار می‌گیرد. ملاحظه می‌شود که بریتانیا به این ازدواج (وحدت) بدبین بوده و بر این باور است که نتایج مطلوبی به بار نخواهد داد زیرا شرایط لازم برای شکل‌گیری این وحدت مهیا نبوده است. در مثال‌های دیگر، حتی اعضای یک خانواده نیز به عنوان استعاره‌ای از کشور و یا اتحادیه اروپا به چشم می‌خورند: «... ببینید چگونه دمکراسی‌های بزرگسال اروپای غربی با فرزندان سرراهی دم دروازه شرقی خود رفتار می‌کنند...» (The Economist, 7 December 1991).

در مثال بالا، کشورهای اروپای غربی به عنوان اعضای بزرگسال خانواده، برای حمایت از کشورهای اروپای شرقی مسئول شناخته شده‌اند (The Guardian, 6 May 1997).

شرکای اروپایی بریتانیا دیروز بازگشت دولت جدید به بروکسل را به گرمی جشن گرفتند زیرا خوشامدگویی به فرزند پرافاده خود را از دست نمی‌دادند.

در مثال بالا بریتانیا که با زور انتخابات یک دولت کم و بیش اروپاگرا درون خانواده اروپایی گنجانده شده بود، به فرزند پرافاده این خانواده تشبیه شده است.

در خانواده اروپا، کمیسیون نقش مادر سخاوتمند را بازی می‌کند. طبیعتاً اروپاییان جنوبی مشکل چندانی با کمیونی که شبکه‌های تابع را ایجاد می‌کرد، نداشتند (The Guardian, 17 March 1999).

روشن است که کمیسیون اروپا در اینجا با توجه به نقشی که ایفا می‌کند، به مادر تشبیه شده و کشورهای عضو به عنوان دریافت کنندگان الطاف وی، فرزندان او هستند. خانواده اروپایی در تمام این مثال‌ها نهادی پرورشی و خیرخواه است که از تمام فرزندان خود حتی فرزندان مشکل‌دار حمایت کرده و برای تمام آنها جا اختصاص می‌دهد. به اعتقاد لاکوف (2004) استعاره‌های شخصیتی بر اساس الگوهای رفتاری و نقش‌های واقعی افراد در بستر جامعه شکل می‌گیرند.^۱ در دیگر مثال‌ها در چارچوب سناریوهای خانوادگی، استعاره‌هایی همچون ماه عسل، طلاق و جدایی نیز به چشم می‌خورد:

شاید این امکان که جدایی بریتانیا از ساز و کار نرخ پول اروپایی به طلاق خواهد انجامید، دیروز افزایش یافته باشد (The Financial Times, 4 January 1993).

امیدواری دولت نسبت به ماه عسل طولانی در اروپا، دیشب بر باد رفت زیرا گوردون براون جنگی محکوم به شکست را در برابر جدایی از سیاست وحدت پولی ترتیب داد (The Guardian, 2 December 1997).

به نظر می‌رسد ماه عسل حزب کارگر با اتحادیه اروپا بعد از جدالی سخت میان بلر و شیراک، به پایانی ناگهانی انجامید (The Daily Telegraph, 13 December 1997).

پایان ماه عسل دولت کارگری بریتانیا و ارتباط آن با اتحادیه اروپا و وحدت اقتصادی و پولی، همچنین سناریوی جدایی و طلاق، استعاره‌هایی هستند که در هر دو طیف رسانه‌های اروپاگرا (گاردین و فایننشال‌تایمز) و ضد اروپا (دیلی تلگراف) به چشم

۱. «در میان رهبران اتحادیه اروپا، صدر اعظم آلمان به عنوان پدرخوانده (God Father) و رئیس خانواده محسوب می‌شود» (Die Zeit, 29 April 1998). در این مثال که البته از رسانه‌های آلمان استخراج شده، هلموت کهل به عنوان پدر خانواده شناخته شده است. شاید این پدرخواندگی به ویژگی‌هایی چون قدرت، جمعیت و استحکام ساختاری مرتبط باشد.

می‌خورند. بنابراین به نظر می‌رسد که رویکرد کلی بریتانیا بدین گونه تصویر شده است که به وجود فرصت برای ایجاد پیوندهای دوستانه و عمیق با اروپا باوری ندارند. این رویکرد در تضاد با سناریوهای بازگشت به خانواده قرار می‌گیرد که در نگاهی خوشبینانه نسبت به اتحادیه به کار گرفته می‌شوند.

رسانه‌های بریتانیا همچنین شکست (Break Up) ازدواج فرانسه-آلمان را قریب‌الوقوع دانسته و اشتراک بریتانیا را در آن را عقلانی نمی‌دانند: «آیا ما می‌خواهیم با دو شریکی که سابقه اخیر آنها روند قهقراپی داشته، همبستر باشیم؟» (The Daily Telegraph, 19 February 2004).

آنچه در کلیه این مثال‌ها مشهود است، این ذهنیت است که اتحادیه اروپا عموماً بر پایه رابطه متقابل آلمان و فرانسه استوار بوده و حضور بریتانیا به عنوان شریک سوم، فقط نقش تکمیل‌کننده رابطه را دارد و بدون این کشور نیز خللی به این اتحاد وارد نمی‌آید و شاید حتی مزاحم نیز باشد. نکته‌ای که در نقل قول‌های رسانه‌های بریتانیا در این قسمت مشهود است، اشاره و تأکید بریتانیا بر ناماندگاری و پیشبینی‌پذیری شکست رابطه فرانسه و آلمان است. همچنین رسانه‌ها سعی در برجسته‌سازی جدایی دولت خود از رابطه با اتحادیه اروپا دارند.

استعاره دیگری که شاید بتوان در ردیف سناریوهای خانه و خانواده قرارش داد، استعاره «ظرف» (Container) است که در رابطه با یورو مورد استفاده قرار گرفته است: «هر چه طولانی‌تر بیرون بمانیم، داخل شدن سخت‌تر خواهد شد» (The Independent, 31.12.1998).

در اینجا یورو به عنوان یک ظرف و یا یک منطقه بسته در نظر گرفته شده که عضویت در پول واحد، بودن درون آن و عدم عضویت، بودن در بیرون آن محسوب می‌گردد. به اعتقاد لاکوف و جانسون در نظریه شناختی استعاره، استعاره‌های ظرف در زیرمجموعه استعاره‌های هستی‌شناسانه و مفاهیمی که با مواد و اشیاء سر و کار دارند، قرار می‌گیرند (Lakoff & Johnson, 1980: 25).

شاید بتوان گفت از میان تمام استعاره‌هایی که تا کنون بحث شده، استعاره ظرف پایه‌ای‌ترین بوده است. لاکوف و ترنر در تعریف این پایه و اساس، اشاره به ضرورت مفهومی (Conceptual Indispensability) می‌کنند و معتقدند که غیر ممکن است از یورو و در کل وحدت پولی صحبت کنیم اما به موقعیت داخل یا خارج آن بودن که تنها از طریق یک استعاره ظرف در اختیار ما قرار می‌گیرد، اشاره‌ای نداشته باشیم (Lakoff & Turner, 1989: 56).

خارج از پول رایج، ما بیرون اتاق هستیم، درست زمانی که همسایگان اروپایی ما موضوعات حیاتی پیرامون سیاست پولی را به بحث گذاشته‌اند. هر چه بریتانیا بیشتر در مورد ماندن در حاشیه تردید کند، هزینه بیرون ماندن بالاتر خواهد رفت (The Guardian, 1.1.1999).

ایده بیرون از پول رایج بودن با سناریوی بیرون از اتاق بودن امکان‌پذیر شده است این عبارت در دو سطح تحت‌اللفظی و استعاره‌ای قابل تحلیل است. در سطح تحلیل اول، به شرایطی اشاره می‌شود که حضور در جلسات اتحادیه اروپا محدود به نمایندگان کشورهای حوزه یورو است. در سطح تحلیل استعاره‌ای، ایده بیرون از اتاق بودن، اشاره به عدم مشارکت و تأثیرگذاری یک کشور (بریتانیا) دارد. همچنین استعاره ماندن در حاشیه به معنای تأثیرگذاری و مشارکت محدود است. در کل، بودن درون اتاق / ظرف بار معنایی مثبت و بودن بیرون آن بار منفی دارد زیرا داخل بودن به معنای امکان‌پذیری فعالیت و تأثیرگذاری است (Semino, 2002: 14-15).

نتیجه‌گیری

با تحلیل استعاره‌های اسنادی این نتیجه حاصل گردید که بریتانیا همواره نگاهی ابزاری به اروپا و همگرایی منطقه‌ای داشته و فقط در مواردی با روند وحدت اروپا همراهی نموده که در راستای منافع ملی این کشور بوده است. به عبارت دیگر، بریتانیا تن دادن کامل به سیاست‌های اروپایی را مغایر با منافع ملی خود قلمداد می‌کند و با حفظ نمادهایی از هویت

ملی مثل پوند، سعی در حفظ هویت بریتانیایی و حاکمیت ملی خود دارد. بنابراین منافع ملی نیز خود برساخته گفتمان‌هاست و هر کشوری با توجه به گفتمان‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و رویه‌های گفتمانی درون آنها، منافع ملی کشور خود را تعریف کرده و در واقع آن را برمی‌سازد. همچنین هویت‌ها هرگز ثابت نبوده، بلکه سیال هستند و پیوسته در حال بازتولید شدن می‌باشند. بریتانیا برداشتی محدود از پیوستن به اروپا داشته و هویت اروپایی را هرگز جذب نکرده است. در واقع تمایز هویت بریتانیایی و اروپا پیوسته در حال بازتولید شدن است.

کاربردهای دیالکتیک تحلیل استعاره‌ای و استفاده از آن در پژوهش‌های حوزه‌های مختلف و نیز مطالعات تطبیقی می‌تواند بسیار مفید و آگاهی‌بخش باشد. اول اینکه نشان داد چگونگی ماهیت بین‌المللی یک اتفاق و نحوه بیان آن در زبان در قالب استعاره‌ها انعکاس یافته و به تصویرسازی و فهم واقعیت کمک می‌کند. به علاوه، تکرار و تناوب یک استعاره یا عبارت استعاره‌ای خاص در متون مختلف، بیانگر نقش تأثیرگذار رسانه در بین‌المللی کردن یک اتفاق است. دوم اینکه مثال‌های متعدد در این مقاله نشان می‌دهد که چگونه استعاره‌ها می‌توانند در رقابت و تضاد باهم باشند و این قابلیت را دارند که دامنه تعمیم‌پذیری خود را به مجموعه‌ای خاص از دلالت‌های خود محدود کنند. نکته سوم که شاید مهمترین دستاورد این مقاله است، تحلیل استعاره‌های اروپایی بریتانیا، حضور مقتدر نگاه شک‌گرایانه به اروپا را به روشنی در مطبوعات و رسانه این کشور برجسته ساخته و به این نتیجه می‌توان رسید که روزنامه‌نگاران و رسانه‌های عمومی این کشور، در جستجوی کشف و اشاعه جلوه‌ای استعاره‌ای مخالف اروپا هستند. چهارم اینکه برخی فرمول‌بندی‌ها در مقدمات سیاست‌گذاری منجر به شکل‌گیری مباحثات عظیم بین‌المللی می‌گردند که مستقیماً تفاوت‌ها و تضادهای منافع و برنامه‌های سیاسی میان دولت‌ها را آشکار می‌سازد. استعاره‌های درون گفتمان سیاست خارجی، عبارات رسمی سیاستمداران و نیز برداشت‌ها و

تعبیر رسانه‌ها را آشکارا برجسته و مطرح ساخته و بدین ترتیب مقایسه‌ای مستند میان افکار و جایگاه دولت و افکار عمومی پیرامون موضوعات سیاست بین‌الملل و نیز سیاست داخلی به دست می‌دهد. پنجم اینکه مطالعه استعاره‌های گفتمان سیاسی یک کشور، دانش ما را پیرامون رویکردهای رایج آن کشور نسبت به مقوله‌ای خاص، با فراهم کردن شواهد آگاهی‌بخش و توسعه گفتمان عمومی خاص آن حوزه مثلاً اتحادیه اروپا کامل می‌کند. بخشی از استعاره‌ها در عرصه‌های سیاسی جدید کاربردی‌تر هستند و با استفاده از آنها می‌توان به شیوه‌های تفکر سیاسی یک جامعه گفتمانی پی برد.

سناریوهای اصلی که بر اساس مفاهیم استعاره‌ای و نیز شناخت‌های درون متنی در فضای گفتمانی خاصی شکل گرفته‌اند، منجر به پی‌ریزی نوعی سنت‌های استعاره محور در مباحثات سیاسی می‌شوند. این سنت‌های نوظهور در جدال‌های مفهومی (Conceptual Contests) شکوفا می‌گردند. برخی از این جدال‌ها به گونه‌ای رایج می‌شوند که در جوامع گفتمانی دیگر مورد استفاده قرار می‌گیرند. تحلیل استعاره‌ای بدن محور (Corpus Based)، همچنین استعاره‌های مرتبط با سفر، سرعت، خانه و خانواده می‌تواند انعطاف‌های منطقی و فرضیات تنیده با جوامع خاص گفتمانی را برجسته‌سازی کرده و در معرض قیاس قرار دهد. بدین ترتیب می‌توان نوعی تاریخ ریشه‌دار تجربی از مباحثات داخلی و بین‌المللی پیرامون ساختار سیاسی اروپا را که ممکن است تبدیل به یک گفتمان بین فرهنگی و یا بین‌المللی شود، بر ساخته کرد.

یافته‌های حاصل از کاربرد استعاره‌های اسنادی از جهات روان‌شناختی و نظری نیز برای پژوهش در زمینه مطالعات گفتمان و تمرکز بر مباحثات اروپا ارزشمند هستند. اول اینکه می‌تواند در عرصه مطالعات اجتماعی و روابط بین‌الملل، الگوهای شناخت درون فرهنگی و استراتژی‌های کلیشه‌سازی کاربرد داشته باشند. به علاوه فراوانی و پراکندگی مفاهیمی مثل استعاره‌های قلب، شواهدی بر وجود جنبه‌های زنده از مفاهیم استعاره‌های

بدن در تفکر سیاسی اروپاییان و بریتانیایی‌ها در اختیار ما قرار می‌دهد. همچنین مثال‌های استعاره بدن در یورومتا (Eurometa) نشان می‌دهد که استعاره‌ها در گفتمان عمومی، در سناریوهای بخصوصی ظاهر می‌شوند که ممکن است مشخصه یک جامعه گفتمانی خاص مثل رسانه‌های بریتانیا باشد که از جوامع گفتمانی دیگر متمایز بوده و مفاهیم متفاوتی دارد. همان‌گونه که اروپا یک سیاست بدن را سازماندهی کرد که قلبی تپنده درون آن بود، زمانی می‌توان از چگونگی نسبت دادن مفاهیم بدن به تمام ملت‌ها و سیاست‌ها شگفت‌زده شد.

منابع

- کاردان، عباس (۱۳۸۶) کتاب اروپا (ویژه مسائل انگلستان). تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر ایران.
- میلیکن، جنیفر (۱۳۸۶) مطالعه گفتمان در روابط بین‌الملل: نقد پژوهش و روش، ترجمه حمیرا مشیرزاده، پژوهش سیاست، شماره ۲۱.
- نقدی نژاد، حسن (۱۳۸۷) رویکرد بریتانیا به وحدت اروپا، سیاست خارجی و امنیتی مشترک اتحادیه اروپا، شماره ۱۸، ص ۱۸۴-۲۱۰، قابل دسترسی در: سایت مرکز تحقیقات استراتژیک <http://www.csr.ir/departments>
- Chaban N, Bain J and Stats K (2007) Under Construction: Images of the Enlarging EH in the Australian News Media. *Coddad Journal: Critical Approaches to Discourse Analysis across Disciplines*, Vol. 1, Issue 2, p 79-95.
- Chilton, Paul & Lakoff, George (1995) Foreign Policy by Metaphor. In Christina Schaffner and Anita L. Wenden (Eds) *Language and Peace*, pp.37-60. Aldershot: Dartmouth.
- Doty, Roxanne Lynn (1993) Foreign Policy as Social Construction: A Post-Positivist Analysis of US Counterinsurgency Policy in the Philippines. *International Studies Quarterly* 37(3): 297-320.
- Durlak, Peter (2006) Motion, Container and Equilibrium: Metaphors in the Discourse about European Integration. *European Journal of International Relations*, 12, 4: 499-531.
- Fairclough, Norman (1992) *Discourse and Social Change*. Polity, London.

- Fairclough, Norman (1995) *Critical Discourse Analysis: The Critical Study of Language*. London: Longman.
- Fairclough, Norman. (2001) Critical Discourse Analysis as a method in social scientific research. In R. Wodak & M. Meyer (Eds), *Methods of Critical Discourse Analysis*, London: Sage Publications.
- Gorton Ash, T (2001) Is Britain European? *International Affairs*, 77, 1, 1-14.
- Gowland, D. and Turner, A (2000) *Reluctant Europeans*. Longman: New York.
- Haigh, N (1984) EEC Environmental Policy and Britain. London: ENDS.
- Jaworski, Adam & Coupland, Nikolas (1999) *the Discourse Reader*. Routledge.
- Jordan, A.J (2002) *The Europeanization of British Environmental Policy: A Departmental Perspective*. Basingstoke: Palgrave.
- Jordan, A.J (2003) the Europeanization of UK Government and Policy: A Departmental Perspective. *British Journal of Political Science*, 33, 261-282.
- Klebanove, B.B and Beigman, Eyal (2010) a Game Theoretic Model of Metaphorical Bargaining. Proceedings of the 48th Annual Meeting of the Association for Computational Linguistics, pages 698–709, Uppsala, Sweden.
- Lakoff, George & Turner, Mark (1989) *More Than Cool Reason: A Field Guide to Poetic Metaphor*. Chicago University Press.
- Lakoff, George (2001) the Power of the Images. September 11, 2001. Metaphorik.de: <http://www.metaphorik.de/aufsaeetze/lakoff-september11.htm>.
- Lakoff, George and Mark Johnson (1980) *Metaphors we Live by*. Chicago: Universit
- Lakoff, G. (1993) The contemporary theory of metaphor. In A. Ortony (Ed.), *Metaphor and Thought*, Cambridge: Cambridge University Press. (2nd Ed.) (pp. 202–251).
- Lakoff, George and Mark Johnson 1999
- Larsen, Henrik (1997) *Foreign Policy and Discourse Analysis*. London & New York: Routledge.
- Larsen, Henrik (1999) British and Danish European Policies in the 1990s: A Discursive Approach. *European Journal of International Relations* 5, 4: 451-483.
- MacDonnell, Diane (1986) *Theories of Discourse*. Blackwell, Oxford.
- Milliken, Jennifer (1999) The Study of Discourse in International Relations: A Critique of Research and Methods, *European Journal of International Relations* Copyright © 1999 SAGE Publications, London, Thousand Oaks, CA and New Delhi, Vol. 5(2): 225–254.
- Mohamadi Mazinan, Taha. (1387) Nazarie Gofteman Va Tahlile Siasi (Discourse Theory and Political Analysis) accessed in <http://www.psair.ir>
- Munich Interview, 25 December 1995, *Agence, Euorope, Bruxelles*, 27 October 1994
- Musolff, A. (2003) Ideological Functions of Metaphor. The Conceptual Metaphors of Health and Illness in Public Discourse. In R. Dirven, R.M. Frank and M. Putz (Eds) *Cognitive Linguistics and Ideology* (pp. 327_/352). Berlin and New York: Mouton deGruyter.
- Musolff, A. (2004) Metaphor and Political Discourse. Analogical Reasoning in Debates about Europe. London: Palgrave-Macmillan.

- Musolff, Andrea (2000b) Maritime Journey Metaphors in British and German public discourse: Transport Vessels of International Communication? *GFL* (German as a Foreign Language), p1-18.
- Musolff, Andreas (2000a) *Mirror Images of Europe. Metaphors in the Public Debate about Europe in Britain and Germany*. Munich: iudicium.
- Musolff, Andreas (2001) Cross-language metaphors: parents and children, love, marriage and divorce in the European family. In: Janet Cotterill and Anne Ife (Eds.). *Language across Boundaries*. London/New York: Continuum, 119-134.
- Musolff, Andreas (2001) the Metaphorisation of European Politics: Movement on the Road to Europe. In Musolff, *Good, Points*, Wittlinger, 179-200.
- Musolff, Andreas (2002) Cross Language Metaphors: Obstacles or Pathways of International Communication? p 1-15, Accessed in: <http://www.dur.ac.uk/resources/mlac/german/resources/crosslang.pdf>
- Musolff, Andreas (2003) *Metaphor Corpora and Corporeal Metaphors*. Lancaster University, p 1-8.
- Musolff, Andreas (2003) the Heart of the European Body Politic: British and German perspectives on Europe's central organ. *Journal of Multilingual and Multicultural Development*. 25 (5-6). pp. 437-452.
- Musolff, Andreas (2004) Metaphor and Conceptual Evolution. University of Durham (UK), p 55-75. Accessed in <http://www.metaphorik.de/07/musolff.pdf>
- Musolff, Andreas (2006) Metaphor Scenarios in Public Discourse. *Journal of Metaphor and Symbol*, 21(1), 23-38.
- Rasmussen, J (2001) Britain: Aloof and Skeptical. In: E. Zeff and E. Pirro (eds.) *The EU and the Member States*. Lynne Rienner: Boulder, CO.
- Robbins, Keith, (1998) Britain and Europe: Devolution and Foreign Policy. *International Affairs*, Vol 74, p.p.105-118.
- Schmidt, Vivien. A (2006) Adapting to Europe: Is it Harder for Britain? *Political Studies Association*, vol. 8: 15-33.
- Schmidt, Vivien. A (2006) Adapting to Europe: Is it Harder for Britain?. *Political Studies Association*, vol. 8: 15-33.
- Semino, Elena (2002) A Sturdy Baby or a Derailing Train? Metaphorical Representations of the Euro in Britain and Italian Newspapers. p1-26, Accessed in: http://www.lancs.ac.uk/staff/eiaes/euro_metaphor.pdf
- Shapiro, M. J. (1989) *Language and Politics*, Oxford: Basil Blackwell.
- Wodak, Ruth & Meyer, Michael (2001) *Methods of Critical Discourse Analysis*. London: Sage Publications.
- Wodak, Ruth (2001) "What CDA is about – a summary of its history, important concepts and its developments". In R. Wodak & M. Meyer (Eds), *Methods of Critical Discourse Analysis*, London: Sage Publications.
- Young, H (1998) *This Blessed Plot*. Macmillan: Basingstoke.